

رهبرانقلاب اسلامی در دیدار جوانان جهادگر:

هرچه ممکن است تلاش کنید و پیش بروید

گفتمان حرکت جهادی باید به یک گفتمان عمومی تبدیل شود



◀ شکست تندروها قطعی است

انتخابات یازدهمین دوره مجلس در حال نزدیک شدن است و اکنون زمانی است که جریان های سیاسی باید تصمیم خود را برای انتخاب تاکتیک ها و تکنیک های بگیرند، از این روز این روزها شاهد اظهاراتی عجیب تر از سوی چهره های تندرو هستیم؛ واژه سازی هایی مانند «تحریم انتخابات» و «حضور مشروط» در انتخابات، حالا رسماً به تهدید نظام اسلامی از سوی این طیف رسیده است! چنانکه «علوی تبار» در شماره اول نشریه «مشق نو» خبر می دهد که در آینده کشور با اعتراض هایی در چهار سطح روبه رو خواهد شد که «اشغال مراکز حساس نظام» شاخصه و هدف گذاری اصلی آن است! اما آیا این تهدیدها می تواند به تغییر فرایند انتخابات و آنچه آنها می خواهند، منجر شود؟ پاسخ واضح و روشن است! مطمئناً چنین نخواهد شد، به چند دلیل:

اول: بدنه اصلی جریان اصلاحات و طیف های مختلف این جریان فارغ از گفته های تندروها در حال آمادگی و بستن لیست های خود برای انتخابات اسفند ماه هستند و چه این طیف ها بخواهند و چه نخواهند طیف های مذکور در انتخابات شرکت خواهند کرد، موضوعی که حتی تندرو ها را هم در آخر کار مجاب به شرکت در انتخابات خواهد کرد، چرا که آنها نیز به این جمع بندی خواهند رسید که با عدم شرکت، تنها خود منزوی و طرد خواهند شد! نه ساز و کار انتخابات در کشور

دوم: مردم فارغ از این بازی های سیاسی و واژه سازی های جریان اصلاحات و هر جریانی دیگر هم که باشد، همانطور که در انتخابات های پیشین به ویژه انتخابات های هفتم و نهم مجلس تجربه شده است، در انتخابات شرکت می کنند و تلاش می کنند تا چهره هایی را انتخاب کنند که می توانند کشور را رو به جلو برده و مشکلات را رفع کنند.

سوم: طیف تندرو اصلاحات با سابقه فتنه سال ۸۸ دیگر اعتبار و جایگاهی در میان افکار عمومی نداشته و توانایی ایجاد جریان های تاثیرگذار بر روند انتخابات را از دست داده اند.

◀ همین یک مورد کافی است!

ابرقدرتی آمریکا در داخل کشورمان هم طرفدار دارد، جریان های غرب گرا اتفاقاً تریبون و رسانه و مسئولیت هم کم ندارند، تریبون هایی که از آنها مدام می شنویم، در برابر آمریکا نمی توان ایستاد. اگر به مقاله ها و گزارش ها و مصاحبه های این رسانه ها در چند ماه گذشته نگاه کنید، می بینید چقدر سرنگونی پهباد «گلوبال هاوک» را تقبیح کردند و با ادعای دلسوزی گفتند آمریکا قدرتمند را عصبانی نکنید! چه بسیار گفتند و نوشتند که ایران نباید تعهدات برجامی را کاهش دهد، به جای آن بروید پای میز مذاکره بنشینید و توان دفاعی و نفوذ منطقه ای را هم تقدیم آمریکایی ها کنید شاید بتوان از تحریم ها کم کرد!

اما سوال اینجاست که چرا آمریکا با آن مختصاتی که آنان می گویند حتی توان کنترل و برخورد با یک گروه مانند طالبان را ندارد، تا آنجایی که «گروه طالبان» اعلام کرده است تنها در صورتی مذاکرات با دولت مرکزی افغانستان و آمریکایی ها را آغاز خواهد کرد که نیروهای آمریکایی افغانستان را ترک کنند!

معنای ساده این می شود گرفتن امتیاز پیش از آغاز مذاکره، موضوعی که زمانی حربه آمریکایی ها بود و امروز آرزوی آنهاست، آمریکایی که چند دهه پیش به بهانه مقابله با همین گروه افغانستان لشکر کشید و جدیدترین سلاح هایش را در این کشور آزمایش کرد و جان هزاران مرد و زن و کودک بی گناه افغانستانی را گرفت، از شهرهای این کشور ویرانه ساخت و بدون آنکه نگران پاسخ دادن به کسی باشد، نظامیانش هرچه خواستند در این کشور انجام دادند!

حالا برای آن پیش شرط مذاکره تعیین می کند و کاخ سفید هم هیچ توانی برای رد یا بی اثر کردن این شرط گذاری ندارد! موضوعی که برای اثبات افول پر شتاب آمریکا و پوشالی و دروغین بودن هژمونی آمریکا کافی است.

◀ منافع مشترکی وجود دارد؟

پرویز فتح که با حکم مقام معظم رهبری از کمیته امداد امام خمینی (ره) راهی بنیاد مستضعفان شد، او برنامه و هدف مشخصش را در این بنیاد احقاق حق مستضعفان اعلام کرد، رئیس جدید بنیاد مستضعفان در همان جلسه معارفه خود به صراحت اعلام کرد، یکی از برنامه های اصلی وی باز پس گیری اموال متعلق به مستضعفان و بهره برداری از دارایی های مستضعفان به نفع خود آنها خواهد بود؛ قول وی که فاصله اعلام تا آغاز اجرای آن بسیار کوتاه بود، چنانکه خبر رسید، در اولین اقدام ساختمان «دانشکده خبر» متعلق به مستضعفان که سال هاست در اختیار خبرگزاری «ایرنا» قرار دارد و بر اساس آنچه رسانه ها نوشته اند نه حاضر به پرداخت اجاره بهاست و نه حاضر است آن را خریداری کند، از سوی مسئولان مربوطه پلمپ شد.

موضوعی که «پرویز فتح» درباره آن این گونه توضیح می دهد: «عمداً از دانشکده خبر شروع کردیم تا خبرش به گوش همه برسد؛ عزم جدی است. اموال مستضعفان دست هر مقام و منصبی باشد، باید برگردد. مخلص و ارادتمند اهالی رسانه و دانشجویان عزیز هستیم. گفتیم فعلاً ملاحظه و فک پلمپ کنند؛ ولی مهلت تا پایان مرداد خواهد بود. این بار را ملاحظه کردیم ولی بعداً ملاحظه ای در کار نیست.» اما در این مسیر یک اتفاق عجیب رخ داد و آن اینکه به فاصله کوتاهی جریان های خاص به جای حمایت از این اقدام شایسته حمله به آن را آغاز کردند! جریان تندرو اصلاحات این اقدام را نوعی سیاسی کاری خوانده و به کاربردن واژه «لباس شخصی ها» برای ماموران بنیاد، این اقدام قانونی را، برچسب غیر قانونی و سیاسی کاری جا زدند! آنها تلاش کردند بازپس گیری اموال مستضعفان را تقابل با دانشجویان (!) تلقی کنند! اما سوال این است که چرا باید احقاق حقوق مستضعفان و اعمال قانون برای گروه هایی انقدر ناراحت کننده باشد و واکنش عصبی آنان را بر انگیزد، میان آن احقاق حق و این عصبانیت ریشه در کجا دارد! آیا منافع جریان های تندرو با درآمدهای حاصل از تضییع حقوق مستضعفان گره خورده است؟

به نام حضرت دوست

مؤلفه های تحلیل واقع نگر در بیانیه گام دوم**پیشرفت های انقلاب اسلامی (۴)**

اشاره: برای دستیابی به روش تحلیل صحیح و واقع نگر از انقلاب و نظام جمهوری اسلامی در چهارچوب منطقی اندیشه سیاسی نگارنده بیانیه گام دوم، می باید چند مؤلفه دوشادوش یکدیگر مورد مطالعه قرار گیرد. این مؤلفه ها عبارتند از: ۱. نقاط قوت و ضعف نظام (عوامل درونی)؛ ۲. فرصت ها و تهدیدها (درونی و بیرونی)؛ ۳. پیشرفت ها و ناکامی ها (بر اساس اهداف و آرمان ها که همان شعارهای اصلی انقلاب هستند)؛ ۴. موقعیت دشمنان انقلاب در ۴۰ سال اخیر. در یادداشت قبل، در ادامه بررسی مقوله پیشرفت های انقلاب در عرصه معنویت و دین گرایی، وضعیت تمدنی تقابل دو جبهه مادی گرا و الهی، قبل از وقوع انقلاب اسلامی و افول تدین و معنویت در سطح جهان: ۱. در عرصه تفکر و فرهنگ؛ ۲. در عرصه سیاسی و بین المللی؛ ۳. در ایران عصر پهلوی، از نظر گذراندیم. اکنون وضعیت دین و معنویت در سطح جهان و ایران را در عصر انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار می دهیم. ضروری می دانم در همین آغاز سخن، خواننده فرهیخته و اندیشمند این یادداشت را به مطالعه دقیق و کامل کتاب گرانسنگ «عصر امام خمینی^(ع)» نوشته استاد گرانقدر میراحمدرضا حاجتی که تا کنون بیش از ۲۰ بار تجدید چاپ شده، دعوت کنم. حسب تجارب فراوان، تردید ندارم که بعد از انجام این مطالعه، آثار ژرف انقلاب اسلامی در گسترش دین و معنویت در سطح جهان برای خواننده محترم کاملاً ملموس خواهد گردید. خواهشمندم به ویژه تحلیلگران مسائل فرهنگی و سیاسی این درخواست را دست کم نشمارند. در این یادداشت از داده های این کتاب استفاده شده است.

وقوع انقلاب ایران به دلیل معنوی بودن شعارهایش، بلافاصله در جهان مادی گرایی پایان سده ۲۰ میلادی تحولی ژرف و غیر قابل انکار به جای نهاد. نخستین تکان های این زمین لرزه را ذهن های فکور و اندیشمندان، به ویژه صاحب نظران عرصه انقلاب های اجتماعی دریافت نمودند. ساختمان رفیع و ده ها ساله نظریات مادی گرایانه ایشان متزلزل شد و به ناگاه فرو ریخت. زیرا آنها نقش عوامل غیبی و به ویژه عنصر معنویت خواهی را از تأثیرگذاری بر اجتماع اساساً طرد نموده بودند. یکی از صاحب نظران برجسته این حوزه، خانم «تدا اسکاچپول» -استاد دانشگاه کمبریج لندن- به صراحت اعلام کرد: «سرنگونی رژیم شاه از دیدگاه دوستان آمریکایی شاه گرفته تا روزنامه نگاران، سیاستمداران و حتی جامعه شناسانی امثال من یک حادثه عظیم و باورنکردنی بود. زیرا انقلابی که در ایران رخ داد به نظر من "خارج از قواعد" انقلاب های دیگر بود و اعتراف می کنم که این انقلاب، نظریات مرا نیز که درباره انقلاب فرانسه، روسیه و چین عرضه کرده بودم بی اعتبار (ابطال) کرد.»^۱ او بیان کرد که «اگر در تاریخ، تنها یک انقلاب "آگاهانه" و ارادی وجود داشته باشد بی شک آن انقلاب، انقلاب مردم ایران علیه شاه بوده است».^۲

«میشل فوکو» جامعه شناس برجسته فرانسوی که خود در بحبوحه انقلاب اسلامی به ایران سفر کرد تا خواسته های مردم را از نزدیک مشاهده کند، برخلاف نظریه پردازان مارکسیست عقیده داشت: «جز باورهای دینی و معنوی، هیچ عامل دیگری قدرت بسیج این چنین توده ها را ندارد. این مذهب تشیع است که با تکیه بر موضع انتقادی خود توانسته چنین بسیج سیاسی به راه اندازد.» وی در شکل گیری انقلاب اسلامی ایران به نقش بی بدیل و محوری امام خمینی (ره) اشاره و بیان می کند: «شخصیت آیت الله خمینی پهلوی به افسانه می زند زیرا هیچ رئیس دولتی و هیچ رهبر سیاسی حتی با حمایت تمام رسانه های دنیا نمی تواند ادعا کند که با مردمش چنین پیوند عاطفی عمیقی دارد.» فوکو اساس تحلیل خود از انقلاب ایران را در "معنویت گرایی سیاسی" بیان می کند. وی در یادداشت هایش که جمع بندی نظرات اوست می نویسد: «این، تصویری است از تهران ۵۷؛ تهران ۵۷ دین،

^۱ تدا اسکاچپول، دولت ها و انقلاب های اجتماعی، ترجمه سید مجید روئین تن، تهران، سروش، ۱۳۷۶، ص ۱۲۶.

^۲ تدا اسکاچپول، «دولت رانتر و اسلام شیعی در ایران»، ترجمه محمدتقی دلفروز، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۳۸۲، ص ۱۲۶.

انقلاب؛ از زمان انقلاب فرانسه تاکنون، برای "نخستین" بار، انقلاب و معنویت به هم پیوند خورده اند.^۳ حال درباره آثار این نهضت عظیم معنوی که صاحب نظران علوم مادی آن را ادراک کرده اند، در جهان معاصر چه بوده است؟

۱. رنسانس (تولد دوباره) تفکر دینی در انسان غربی

انقلاب اسلامی نخستین بارقه معنویت پس از رنسانس غربی بود که با مبنا گذاردن اندیشه اومانیسم (بشرمداری) اعلان جنگ علیه خداگرایی و معنویت بود. اندیشمندان خداگرا مانند پروفیسور محمدحسین هدی مقیم اتریش تصریح می کنند: «اگر بنا باشد تاریخی را برای احیای هویت دینی در نظر بگیریم آن تاریخ ۱۹۷۹ مقارن با پیروزی انقلاب اسلامی ایران است که خیزش عظیمی را برای تفکرات دینی در "تمام ادیان" به وجود آورده است.^۴ جالب توجه اینکه وی وقوع انقلاب ایران را تاریخ شروع رنسانس دینی برای پیروان "تمام ادیان" می داند. نشانه های این رنسانس عظیم و بسیار بزرگ اینکه: «آخرین آمارها در مورد احیای تفکر دینی که در سال ۱۹۹۰م. [قریب ۳۰ سال پیش] صورت پذیرفته نشان می دهد که تقریباً ۷۰ درصد مردم اروپا احساس دینداری می کنند. در تمام ادیان از هندوئیسم تا بودیسم و ... انواع فرقه های مسیحیت همه از یک نوع بازگشت به تفکر دینی خبر می دهند و انقلاب اسلامی موجب احیای تفکر دینی در جهان گردیده است.^۵ این موج گسترده معنوی چنان غرب مادی را به خود متوجه نمود که شبکه های خبری مجبور به ارائه تحلیل و بررسی آن شدند. چنانکه شبکه اول تلویزیون بی بی سی انگلیس در مجموعه مستند قرن دوم به مناسبت آغاز قرن ۲۱ اذعان می کند: «آنچه در ایران به سال ۱۹۷۹ رخ داد نه تنها برای ایرانیان بلکه برای تمام ادیان جهانی نقطه عطفی بود که از بازگشت میلیون ها نفر در سراسر جهان به اصولگرایی مذهبی خبر می دهد. در سراسر جهان پیروان دیگر ادیان مانند مسیحیت، یهودیت و هندو نیز به اصول گرایی مذهبی روی آوردند. حتی در ترکیه نیز که ۷۰ سال قبل با مذهب وارد جنگ شده بود روند بازگشت به اصول اسلامی سرعت گرفته است.^۶ علامه مصباح یزدی ضمن اشاره به گفت و گوی خود با یک اسقف مسیحی از مکزیک به نقل از او بیان می کنند: «این افتخار مخصوص شماس است که توانستید ایمان را در دنیا زنده کنید و بالاتر اینکه کشورداری را با دینداری توأم کنید. ما [مسیحیان] این توان را نداریم زیرا مردم دیگر اعتمادی به ما ندارند.»^۷ پروفیسور حمید مولانا معتقد است هیچ صدایی در قرن ۲۰ مثل صدای امام جهان را به لرزه درنیاورد. ایشان اولین شخصیتی بودند که بعد از جنگ جهانی به صورت جهانی طلسم سکوت را در مقابل ظلم و طاغوت شکستند اگر این طلسم شکسته نشده بود امروز شوروی زنده بود.^۸ و همان طور که این متفکر به تأثیر انقلاب ایران بر فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی اشاره می کند، احمد هوبر اندیشمند تازه مسلمان سوئیسی نیز به تأثیر انقلاب ایران بر سقوط دیوار برلین اشاره می کند که هردو نتایج و نشانه هایی از پایان نظم دوقطبی مادی حاکم بر عرصه بین المللی و آغاز دوقطبی مادی گرایی و دین گرایی بودند. هوبر بیان می کند: «امروز در اروپا احساس می شود سقوط دیوار برلین با انقلاب و قیامی که شما آغاز کردید مرتبط است. [تأثیرات] این قیام اسلامی امروز در اروپا محسوس است. در اروپا حدود ۱۲ تا ۱۵ میلیون مسلمان زندگی می کنند که صدهزار نفر آنها در سوئیس اند.»^۹

دکتر عبدالعزیز ساشادینا استاد دانشگاه ویرجینیای آمریکا ضمن اشاره به نشانه مهم دیگری از این تحول در دانشگاه های غرب بیان می کند: «در ۲۰ سال گذشته اسلام شناسی در آمریکا فقط در بعضی از دانشگاه های بزرگ تدریس می شد ولی در حال حاضر تمام دانشگاه های کوچک و بزرگ درس اسلام شناسی دارند و این نشان دهنده تأثیر انقلاب اسلامی ایران است. امروز ۹۰

^۳ میشل فوکو، ایران انقلاب به نام خدا؛ ایران روح یک جهان بی روح، ایرانی ها چه رؤیای در سر دارند؟ نشر نی، تهران.

^۴ مصاحبه علمی با روزنامه کیهان، ۱۳۷۶/۱۱/۲۵ و ۱۳۷۶/۱۱/۲۹.

^۵ همان.

^۶ خبرگزاری ایرنا ۱۳۷۵/۱۱/۲۸

^۷ دومین کنگره بین المللی امام خمینی (ره)، فصل نامه حضور، ش ۲۴، ص ۲۶۲.

^۸ فصل نامه حضور، پاییز ۱۳۷۸، ش ۲۹.

^۹ کیهان، ۱۳۶۹/۱۱/۲۸

درصد مردم آمریکا معتقد به وجود خدا هستند و معتقدند که دین نقش بزرگی در زندگی بشر ایفا می کند. در حال حاضر در آمریکا کلاس های ادیان شناسی شلوغ ترین کلاس هاست و تنها در دانشگاه ویرجینیا که من به تدریس مشغول هستم ۱۲۸ نفر به تدریس دین شناسی مشغول هستند.^{۱۰}

در قاره های مختلف جهان، کتب اسلامی و از جمله قرآن پر فروش ترین کتابها گردید و مردم بسیاری برای آشنایی با اسلام به مساجد مراجعه کردند. توشیو کوردا محقق تازه مسلمان ژاپنی از فروش ۲۰ هزار نسخه از کتابش در عرض یک ماه در ژاپن یاد می کند^{۱۱} و محمد اوزاکپ از رفت و آمد زیاد مردم به مساجد در استرالیا برای طرح سؤالاتشان درباره اسلام.^{۱۲} وضعیت فروش بیش از یکصد هزار جلدی آثار اسلامی در طول یک سال در کره جنوبی هم از اخبار عادی دوران جدید عالم است. دکتر عبدالمهدی مدیر مرکز پژوهشی اسلامی فرانسه معتقد است: «جهان در حال تحول است و ارزش های جهانی در حال تغییر، غرب دچار فروپاشی تدریجی شده و اسلام جلوه خود را در سراسر جهان نشان داده است.»^{۱۳} به قول آن نویسنده ایتالیایی «انسان اروپایی مشغول جمع کردن خیمه و خرگاه خویش از سرزمین نوینی است که طی ۳۰۰ سال گذشته در آن رحل اقامت افکنده بود. این انسان آهنگ عزیمت به قلمرو تاریخی و شیوه زیستی دیگر دارد.»^{۱۴}

۲. رنسانس دینی در رویکرد اندیشمندان

چنانکه در یادداشت قبل گفتیم، در سال های متمادی بعد از رنسانس، غلبه نظریات غربی حتمی به نظر می رسید و اندیشوران قرن ۱۸ مانند فلاسفه دایره المعارف فرانسه به طور کلی جایگاهی برای دین در قرن آینده قائل نبودند. از این رو فلسفه هایی پدید آمد که به طور کامل منکر دین شدند.^{۱۵} لکن به اذعان اندیشمندان بسیار برجسته و مشهور غرب، وقوع انقلاب اسلامی چنان شرایط موجود را در آخرین سال های قرن ۲۰ تغییر داد که صاحب نظران به طرح نظریه «تجدید حیات دینی در قرن بیستم» به عنوان یک نظریه معتبر علمی پرداختند. از آن جمله است، آنتونی گیدنز، جامعه شناس فوق العاده معروف انگلیسی که در کتاب خود به «پدیده رنسانس (نوزایی) دینی» می پردازد و می نویسد: «در گذشته سه غول فکری جامعه شناسی یعنی مارکس، دورکهایم، و ماکس وبر با اختلافات کم و بیش، فرآیند عمومی جهان را به سمت سکولاریزاسیون و به حاشیه رفتن دین می دیدند ولی از آغاز دهه ۸۰ م. و با انقلاب ایران شاهد تحقق عکس این روند هستیم؛ یعنی فرآیند عمومی جهان روند معکوسی را به سمت دینی شدن آغاز نموده و پیش می رود.»^{۱۶} همچنین پیترو ال. برگر جامعه شناس مشهور دیگر و استاد دانشگاه بوستون آمریکا، که معتقد است: «جهان امروز جهانی به شدت دینی است و نمی توان آن را چنان که بسیاری از تحلیلگران نوگرا -از روی تفنن یا یأس- اعلام کرده اند، جهان سکولار نامید. آنان که از نقش دین در تحلیل مسائل جهان معاصر غفلت می کنند مرتکب خطای بزرگی می شوند.»^{۱۷} به نظر دکتر داوری اردکانی، از غرب شناسان صاحب نظر، بشر کنونی سرش به دیوار خورده و همه امیدش به دین و معنویت است. او بازگشته تا خود را بیابد. غرب نیز اکنون همه امیدش به دین است. غالب متفکران معاصر چه اهل دین و چه غیر اهل دین، توضیحاتی راجع به دین و معنویت دارند.^{۱۸}

^{۱۰} جمهوری اسلامی، ۱۳/۱۳/۱۳۷۶؛ مصاحبه با هفته نامه صبح صادق، ۲۷/۰۳/۱۳۸۱.

^{۱۱} مصاحبه با کیهان، ۱۱/۰۹/۱۳۷۸

^{۱۲} روزنامه ینی شفق، ۲۱/۰۹/۱۳۸۰، ماهنامه غرب در آینه فرهنگ، بهمن ۱۳۸۰، ش ۱۶.

^{۱۳} فصل نامه حضور، ش ۱۲، تابستان ۱۳۷۴

^{۱۴} خوسو آرتگا ای گاست، انسان و بحران، ترجمه تدین، ص ۳.

^{۱۵} دکتر سیدحسین نصر، محمد خاتم پیامبران، ج ۱، ص ۹.

^{۱۶} آنتونی گیدنز، جامعه شناسی، ترجمه صوری، ص ۷۵.

^{۱۷} ال.برگر، افول سکولاریسم، دین خیزشگر و سیاست جهانی، ترجمه امیری، ص ۲۵، ۲۹، ۳۳.

^{۱۸} مصاحبه با کیهان، ۲۰/۰۵/۱۳۶۹

گراهام فولر، تئوریسین برجسته سازمان سیا در امور سیاست خارجی معتقد است: «در شرایط حاضر هیچ قدرت اجتماعی قوی تر از دین [در جهان] وجود ندارد.» صاحب نظران تصریح می کنند: «همه به اشتباه در این اندیشه بودند که دنیاگرایی در حال به تحلیل بردن مذهب است و هیچ چیز نمی تواند مانع آن شود.»^{۱۹}

دکتر مهدی گلشنی، استاد فیزیک و از اندیشمندان کشورمان در تحول رویکرد عالمان علوم طبیعی به دین و معنویت در مصاحبه ای در سال ۱۳۷۵ بیان می کند: «شما اگر وضعیت ۲۰ سال پیش اروپا، آمریکا را با حالا مقایسه کنید [می بینید] اصلاً قابل قیاس نمی باشد. چند سال قبل برای سمینار «نسبیت» [در علم فیزیک] در لندن بودم. بحث کیهان شناسی مطرح بود. یک فیزیکدان فیلسوف بلژیکی ضمن آنکه داشت راجع به یک مدل کیهان شناسی صحبت می کرد اسمی از خدا آورد. که یک فیزیکدان آمریکایی (از آکسفورد) گفت: در کنفرانس فیزیک جایی برای آوردن اسم خدا نیست! این را من خودم شاهد بودم. اما اکنون وضعیت چنان تغییر کرده است که: چهار سال پیش انجمن آمریکایی پیشرفت علم که بزرگترین انجمن علمی امریکاست و بسیاری از شخصیت های برجسته علمی آمریکا عضو آن هستند سمینار دو روزه اش را برگزار کرد. در آن سمینار غیر از جلسه های موازی ... یکی دو جلسه درباره «رابطه علم و دین» قرار داده بودند. این جلسات آنقدر شلوغ بود که بقیه جلسه ها را تحت الشعاع قرار داده بود.^{۲۰} بنده در سال ۱۹۹۸ در کنفرانسی بودم که در آن دو نفر از بزرگان کیهان شناسی جهان صریحاً گفتند که در تحقیقات اخیرشان به این نتیجه رسیدند که علم خودکفا نیست و برای پاسخ بسیاری از سؤالات به خدا روی آورد.»^{۲۱} مجله آمریکایی تایم بلافاصله بعد از انقلاب ایران در شماره ۷ آوریل ۱۹۸۰ خود عبارتی بسیار معنادار درج می کند: «انقلابی ساکت در تفکر و استدلال در حال وقوع است و خدا دارد بر می گردد.»^{۲۲}

نمونه های فراوانی در اختیار ما قرار دارد؛ بر اساس آمارهای موجود نیمی از پژوهشگران مرکز ملی پژوهش های علمی در فرانسه به خدا ایمان دارند و خیلی ها هم احساس می کنند به این مرحله نزدیک شده اند.^{۲۳} دانشگاه لیدز انگلیس نیز اولین مرکز میان رشته ای برای آموزش و تحقیق درباره تعامل علم و دین را دایر کرد. اگرچه در گذشته علم روانشناسی معتقد بود که درمان بیماران را باید از مسائل ارزشی دور نگه داشت اما تنها از سال ۱۹۸۷ تا ۱۹۳۳ م. بیش از ۶ هزار مقاله علمی درباره نقش و اهمیت مذهب در درمان بیماران به چاپ رسیده است.^{۲۴} تعداد اعضای انجمن روانشناسان مسیحی از ۲۰۰ نفر در سال ۱۹۹۳ به یکباره در سال های اخیر به ۱۶ هزار نفر رسیده است.^{۲۵}

۳. تحول در رویکرد مادی سیاستمداران

وقوع تحول بزرگ انقلاب اسلامی در ایران و استمرار رو به گسترش آن در برابر اتحاد نظامی دو ابرقدرت مادی، علاوه بر تأثیر بر صاحب نظران، موجب ایجاد موجی از معنویت خواهی در رویکردهای سیاستمداران گردید. نخستین آثار این تحول در بین کمونیست هایی مشاهده گردید که پیش از انقلاب علناً دعوی مبارزه با دین و معنویت را مطرح نموده بودند. پیام مهم معنوی رهبر کبیر انقلاب به میخائیل گورباچف، رهبر اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، که تنها پیامی در سطح جهان بود که فروپاشی اردوگاه برتر قدرت مادی را اعلان نمود دارای آثار شگرفی در رویکرد کمونیست ها به اسلام و جایگاه برتر رهبری دینی شد. آقای بابورین معاون مجلس دومای روسیه اذعان نمود: «مهم ترین دستاورد انقلاب اسلامی ایران برای ما -روس ها- نامه آیت الله خمینی به گورباچف بود که در آن به رهبر شوروی تذکر داده شد که در فرآیند پروستریکا مواظب باشید در باتلاق

^{۱۹} دیوید باروت، مسئول دایرة المعارف جهانی مسیحیت، جمهوری اسلامی، ۱۳۷۱/۰۵/۲۴

^{۲۰} دکتر مهدی گلشنی، مصاحبه با کیهان، ۱۳۷۵/۱۱/۰۷

^{۲۱} همان ۱۳۷۸

^{۲۲} مهدی گلشنی، از علم سکولار تا علم دینی، ص ۶۰.

^{۲۳} همان، ص ۵۹.

^{۲۴} دکتر عنبر حق، استاد دانشگاه مالزی، سخنرانی در همایش بین المللی نقش دین در بهداشت، ماهنامه پگاه، خرداد ۱۳۸۰.

^{۲۵} دکتر محمود گلزاری، ماهنامه پگاه، تیر ۱۳۸۰.

[مادیگرایی] غرب گرفتار نشوید و اگر گورباچف به این نصایح امام توجه می کرد دچار این گرفتاری ها نمی شد.^{۲۶} شخص گورباچف در اعتراف به صحت پیش بینی امام اظهار داشت: «اگر ما پیش گویی آیت الله خمینی را جدی می گرفتیم امروز قطعا شاهد چنین وضعیتی (فروپاشی به دامن غرب) نبودیم. آیت الله خمینی توانست اثر بزرگی در جهان بگذارد و من معتقدم ایشان فراتر از زمان می اندیشید و در بعد مکان نمی گنجید.»^{۲۷} در واقع قطب دینی جهان توانست یک قطب بزرگ مادی گرایی را از بین ببرد. بزرگ ترین دلیل بر این مهم دست برداشتن رهبران کمونیست از ادعای الحادی مقابله با دین رسماً دست برداشتند. رهبران مختلفی از نظام های کمونیستی از جمله الکساندر زوگائف رهبر حزب کمونیست روسیه اعلام می کند: «ما از افکاری که وجود خداوند را انکار می کند دست برداشته ایم.» فیدل کاسترو رهبر قدرتمند یکی از نظام های کمونیست دنیا در کوبا اعلام کرد: «تا وقتی خدا بخواهد اداره کشور را در دست خواهیم داشت ابتدا خواست و اراده خدا و پس از آن خواست و اراده مردم بالاتر از هر چیزی است.»^{۲۸} حشمت اوزال شاعر و چهره فرهنگی مارکسیست معاصر ترکیه ضمن روی آوردن به اسلام و تحمل سال ها زندان به خاطر اعتقاداتش گفت: «اصلاً از اعتقادات جدیدم (دین اسلام) پشیمان نیستم زیرا در زندان این فرصت را داشتم که ارزش اعتقادات خود را بیابم. هموطنان من از گرسنگی ماوراءالطبیعه رنج می برند. گرسنگی ای که فقط با قرآن رفع می شود.»^{۲۹} و سرانجام آخرین رئیس جمهور روسیه، در گفت و گو با روزنامه فرانسوی فیگارو بعد از یادآوری این واقعیت که اجرای فرایض دینی در شوروی سابق بدون خطر نبوده اما مادرش او را در کلیسا تعمید داده اذعان می کند: «من به نوبه خودم از اینکه به کلیسای ارتدوکس روسیه تعلق دارم افتخار می کنم. این تعلق مرا غنی می کند.»^{۳۰} و اخیراً شنیده شده که رهبران روسیه و چین در تماس هایی جداگانه با ج.ا.ایران برای نشر معارف مکتب اهل بیت(ع) در استان های مسلمان نشین خود اعلام همکاری نموده اند.

نیکلای چرون از سیاستمداران و رئیس حزب ملی لیبرال دموکراتیک رومانی در دیدار با سفیر ج.ا.ایران در این کشور بیان می دارد: «رومانی امروز نیاز مبرم به احیای ارزش های دینی دارد و ما خواهان بهره گیری از تجربیات ایران هستیم.»^{۳۱} لخ والسا رئیس جمهور لهستان نیز در دیدار با وزیر خارجه وقت ایران، دکتر ولایتی، می گوید انقلاب ایران روی کشور ما هم اثر گذاشت. انقلاب ایران موجب احیای فکر دینی حتی در سطح حکومتها شد ولو در کشورهای مسیحی!^{۳۲}

شخصیت برجسته ای مانند دانیل پاییز رئیس انجمن سیاست خارجی آمریکا در کنفرانسی در استانبول ترکیه بیان می کند: «باید اعتراف کنیم که قبل از انقلاب اسلامی ما برای افکار دینی و مذهبی هیچ جایی باز نکرده بودیم ولی از این پس برای ما آمریکایی ها ضروری است که زمینه ای جهت مطالعه و تحقیق پیرامون مذهب فراهم آوریم.»^{۳۳} در شماره آینده به تحول دینی و معنوی جامعه ایران در دوران انقلاب اسلامی؛ شاخص ها و ارزیابی آن خواهیم پرداخت.

^{۲۶} ماهنامه اسلام و غرب، ش ۲۰، ۱۳۷۸^{۲۷} مصاحبه با واحد مرکزی خبر ۱۳۷۸/۰۳/۱۵^{۲۸} جمهوری اسلامی، ۱۳۷۷/۰۶/۱۱^{۲۹} جمهوری اسلامی، ۱۳۶۹/۰۱/۱۶؛ به نقل از روزنامه تانثا، چاپ آتن.^{۳۰} کیهان، ۱۳۷۹/۰۸/۰۹^{۳۱} جمهوری اسلامی، ۱۳۷۵/۰۲/۲۹^{۳۲} مصاحبه با کیهان، ۱۳۷۸/۱۱/۱۷^{۳۳} جمهوری اسلامی به نقل از العالم، ۱۳۶۸/۰۹/۲۰